

گزاره



تاریخ فهرست‌نگاری در ایران^(۱)

دکتر علینقی منزوی

فهرست

۱. این واژه در لغتنامه‌های فارسی به معنی صورت ریز محتویات کتاب یا فصل است که در آغاز یا انجام آن آرند. دهخدا در لغتنامه می‌افزاید: و نوشته‌ای که در آن اسامی کتابها باشد. فیروزآبادی در قاموس گوید: الفهرس، هو الكتاب الذی یجمع فیه اسماء الکتب. در فرهنگنامه‌های فارسی، فهرست و فهرس هر دو آمده است، لیکن بی‌تاء در فارسی کمتر به کار رفته است. خوارزمی در مفاتیح العلوم فهرست را به معنی صورت کارها و دفاتر آورده است لیکن در عربی امروز با تاء کمتر به کار رود و برخی آن را غلط فاحش دانسته‌اند. به هر حال در معرب بودن آن همگان متفق‌اند، ولی دهخدا و دکتر معین ریشه آن را پهلوی و برخی ترکان معاصر ریشه آن را رومی شمروند (اقیانوس در ترکی قاموس، ج ۲، ص ۲۷۳)

کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی:

۲. امروز. فهرست معمولاً شامل دو گونه معلومات است:

الف. اطلاعات درباره کتاب و نگارنده آن که اخیراً بخش «کتاب‌شناسی» نامیده می‌شود.

ب. آگاهی‌های راجع به فلان نسخه یا نسخه‌های کتاب که به «نسخه‌شناسی» شهرت یافته است.

گرچه این تقسیم اخیراً متداول شده است، لیکن کاتالوگهای کهن را نیز می‌توان با همین دوگانگی به دو دسته تقسیم نمود. فهرستهائی که برای تألیفات اشخاص یا گروههای معین نگاشته شده و همچنین فهرستواره‌های مندرج در اجازات بیشتر به کتاب‌شناسی توجه دارد و فهرستهائی که برای کتابخانه یا کتابخانه‌های معین نگاشته شده، به نسخه‌شناسی توجه بیشتر دارد.

تاریخ پیشرفت علم و اندیشه در جامعه:

۳. از آنجا که نام بیشتر رساله‌ها و کتابها در دوران کهن اسلامی با موضوع

از آنجا که من مانند برادرم احمد منزوی فهرست‌نگاری را حرفه ارثی و تخصص خود می‌دانم که از پدرمان شادروان حاج آقا بزرگ تهرانی به ما رسیده است، تصمیم گرفتم برای یادنامه شادروان استاد بزرگوارم دکتر غلامحسین صدیقی (۱۲۸۴.۱۳۷۰) تاریخچه‌ای از این هنر یا حرفه علمی تقدیم دارم. خوشبختانه این استاد معظم که من در دوره دکترای الهیات تا سال ۱۳۳۷ش افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام خود نیز به فهرست‌نگاری علاقه ویژه داشت و آن را مادرگاه علوم اسلامی نامید. تاریخ علم می‌خواند. استاد نه تنها در سال ۱۳۳۲ش در مقدمه «قراضه طبیعیات» فهرستی از آثار علمی نثر فارسی تا پایان سده پنجم را ثبت نمود، در تیر ماه سال ۱۳۴۵ش نیز در ویژه‌نامه‌ای که مجله دانشکده ادبیات برای یادبود شادروان عبدالعظیم قریب پخش کرد، مقالتی با عنوان «بعضی از کهن‌ترین آثار نثر فارسی تا پایان قرن چهارم هجری» درج فرمودند. اینک این اثر ناچیز را به یادنامه ایشان تقدیم می‌دارم.

۱. برگرفته از: یادنامه استاد دکتر غلامحسین صدیقی. گردآوری و تنظیم: دکتر پرویز جاوند، تهران: چاپخش، ۱۳۷۲. صص ۵۰۲-۴۷۳.

آن نزدیک است، فهرستها هر چند ساده و تنها لیستی از نام کتابها را در بر داشته باشد باز هم بسیاری از تاریکی‌های تاریخ علم را برطرف می‌سازد، از کشاکشهای علمی دانشمندان با یکدیگر و نظریات علمی و عقیدتی هر یک پرده برمی‌دارد. در ملل و نحل، عقاید فلسفی بسیاری از بزرگان فلسفه و کلام از همین فهرستها به دست آید.

فهرستواره‌های مندرج در اجازه‌نامه و مشیخه‌ها:

۴. شاید بتوان اجازه‌نامه را نمونه بازمانده از زمانهای محدودیت علم و جلوگیری از تعمیم آن در میان همه قشرها شمرد. واژه «اجازه» نیز این گمان را تقویت می‌کند، و گرنه بایستی «شهادتنامه» یا همانندش می‌خواندند، چنانکه در میان صوفیان «ارشادنامه» یا «شجره‌نامه» یا «کرسی‌نامه» تعبیر شده است. (فهرست گنج بخش ۴: ۲۰۸۲، همانجا: ۲۱۸۰، همانجا: ۲۱۳۴، نفیسی، تاریخ نثر و نظم ۱: ۳۲۲ و ۶۱۰) و در میان پیشه‌وران و اهل فن به «کسوت‌نامه» تعبیر می‌شده است (فهرست مشترک فارسی پاکستان ۴: ۲۵۱۳/۲۵۰۹) و اسماعیلیان آن را به چهار درجه سماع، مناوالت، اجازت، و صحیفه تقسیم کنند و آخرین آنها عالی‌ترین آنها محسوبست (فهرست مجدوع ص ۲۸۸). اجازتهای روایتی از طرف استاد به شاگرد اجازت می‌دهد

که فلان مطلب را می‌تواند به دیگران بیاموزد، یا فلان کتاب یا کتابها را برای دیگران بیان یا روایت کند (ذریعه ۱: ۱۳۱). از این رو برخی اجازه‌های معتبر، لیستی از کتابها را در بر دارد که تعلیم و روایت کردن آنها را برای شاگرد مجاز شناخته است و گاهی در این لیست خصوصیتی از کتاب‌شناسی آنها نیز آمده است.

گاهی شاگرد فهرستی از تألیفات استاد و یا کتابهای گوناگون را فراهم می‌کرد و از استاد درباره آنها اجازت می‌خواست و استاد تألیفات خود را مستقیماً و تألیفات دیگران را از راه روایتی که بدان کتاب می‌داشت، برای آن شاگرد اجازت صادر می‌کرد.

کهن‌ترین نمونه اسلامی موجود این فهرستواره‌ها، شاید آن باشد که در اجازه ابوغالب زراری (۳۶۸-۲۸۰هـ) دیده می‌شود که در تاریخ ۳۵۶هـ صادر کرده و از اجازه و مشیخه‌های پیش از خود نیز نقل دارد (ذریعه ۱: ۱۴۳ و ۲: ۴۶۵).

۵. نمونه دیگر از اجازه‌های فهرستواره‌دار،

اجازه‌های زیر است: اجازه‌ای که سید مرتضی بر پشت فهرستی نگاشت که شاگردش محمد بصری از تألیفات استاد فراهم کرده بود (بند ۳۴) و اجازه ابن جنی عثمان (۳۹۲-۳۳۰هـ) که یاقوت آن را در معجم‌الادبای (۱۲: ۱۰۹-۱۱۱) آورده است (بند ۱۸) و نیز اجازتی که علامه حلی (۷۲۶-۶۴۸) برای بنی زهره نگاشت و در بحارالانوار چ نوبین (ج ۱۰۴ ص ۶۰ تا ۱۳۷) چاپ شده است (بند ۴۵).

من در اینجا نخست از فهرستهای شناخته‌شده‌ای گفتگو می‌کنم که نام و محتویات آنها تنها در کتب دیگر به ما رسیده است و سپس از فهرستهایی که متن آنها در دست است یاد خواهیم کرد.

الف. کهن‌ترین فهرستها که شناخته شده است:

۶. فهرست کتابخانه مأمون: اگر قدمت فهرست‌نگاری به اندازه قدمت تألیف و تصنیف نباشد دست کم شکل‌های ساده آن چندان عقب‌تر نمی‌باشد. شاید بتوان کهن‌ترین مورد استعمال کلمه فهرست را در گفتگوی میان حسن بن سهل سرخسی (۲۳۶-۱۴۶هـ) برادر فضل ذوالریاستین و مأمون (۲۱۸-۱۷۰هـ) عباسی دانست، که در سرآغاز جاویدان خرد تألیف مشکویه (۴۲۱هـ) دیده می‌شود. جاحظ (۲۵۵هـ) از حسن سهل نقل می‌کند که: روزی

مأمون از من پرسید: کدام یک از کتابهای ایرانیان بالارزش‌تر است؟ گفتم: جاویدان خرد. او دستور داد فهرست کتابخانه‌اش را آورند، و چون جستجو کرد نام جاویدان خرد را نیافت. پس معترضانه پرسید چرا نام چنین کتابی ارزشمند در آن جا نیست؟ گفتم نسخه، از آن «ذوبان» (دانشمند زرتشتی) است و من اندکی از آن را برای خود رونویس کرده‌ام (جاویدان خرد، ع. ج بدوی، ص ۲۱ و ترجمه فارسی قزوینی چ دانش‌پژوه، نیز ص ۲۱) از پاسخ حسن به مأمون چنین برمی‌آید که گویا این فهرست تنها برای نسخه‌های موجود در کتابخانه مأمون یا «دارالحکمه» ساخته شده بود.

۷. فهرست کتابخانه غزنه: در داستان

کشف «سفر جیشر» از اسفار عهد عتیق که الکوئین کشیش دربار شارلمان (۸۱۴-۷۴۲) ادعا نمود که نسخه آن را در کتابخانه غزنه یافته است، نیز از فهرست منظم آن کتابخانه در سده سوم هجری گفتگوها رفته است (مقدمه چاپ انگلیسی جیشر، سال ۱۹۳۴، مؤسسه سن جوز



کالیفرنیا، ترجمه عبدالحی حبیبی، مجله راهنمای کتاب، بهمن سال ۱۳۴۱، ص ۹۹.

۸. فهرستهائی که ندیم یاد می کند: ندیم در فهرست خود که به سال ۳۷۷ هـ نگاشت، از تأسیس «دارالحکمه» گفتگو دارد. که در عهد هارون (۱۹۳-۱۷۰) با همکاری فضل بن نوبخت منجم (ندیم - تجدد ص ۳۳۳) و علان شعوبی نگارنده پنجاه کتاب (همانجا، ص ۱۱۸) بنیان نهاده شده بود، او می گوید: مأمون (۲۱۸-۱۹۸ هـ) سهل بن هارون هیونی دشت میشانی (م. ۲۱۵) را خازن آن کتابخانه و سعید بن هریم (ندیم - تجدد: ۱۳۴ و ۱۳۹) را دستیار او نهاد و گرچه او از فهرست یاد شده در جاویدان خرد نام نمی برد ولی از فهرستهائی که برای نگاشته های دانشمندان یا دانشمندانی ساخته شده است بسیار نقل می کند مانند آنچه جابر برای تألیفات خود ساخته و در پایان آن گفته است، جز اینها نیز، سی کتاب بی نام نگاشته ام (ندیم - تجدد، ص ۴۲۲).

فهرست هائی که دیگران یاد می کنند: نجاشی (۴۵۰-۳۷۲ هـ) و طوسی (۴۶۰-۳۸۵ هـ) نیز از چند دانشمند یاد می کنند که فهرست تألیفات خود را فراهم کرده و یا کسی فهرست نگارشهای ایشان را نوشته است.

۹. ابن بطه محمد بن جعفر قمی که از احمد برقی (م. ۲۸۰) روایت می کند، فهرستی داشته که نجاشی (۴۵۰-۳۷۲ هـ) در احوال ابن بطه و احوال ابن قبه از آن نقل می کند (قهپائی ۵: ۱۷۴ و ذریعه ۱۶: ۳۷۴).

۱۰. اشعری قمی سعد بن عبدالله (م. ۳۰۰) طوسی و شهر آشوب هر یک در فهرست خود درباره او گوید: وی فهرستی برای کتابهائی که روایت کرده است ساخته بود.

۱۱. عبدال اسماعیلی: فهرستی برای تألیفات خود تألیف کرده و ندیم اندکی از آن نقل کرده است (ندیم، مقاله ۵، فن ۵، ج ۲۴۰). نسخه ای از فهرست عبدال در دست خواجه نصیر (۶۷۲ هـ) بوده است (سزگین ۷: ۱۳۷، ۱۳۳).

۱۲. کشی: محمد بن عمر (۳۲۸) فهرستی داشت که در کتاب اختیارالرجال از آن نقل کرده است (قهپائی ۱: ۱۱۴: ۳).

۱۳. مسعودی، علی بن حسین (۳۴۶) کشی یک فهرست بدو نسبت داده است (قهپائی ۴: ۱۸۶).

۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود سمرقندی از فقیهان شیعه. ندیم گوید: جنید بن محمد در پایان یک کتاب خود صورتی از تألیفات عیاشی را نگاشته و من از آن نقل می آورم (ندیم، مقاله ۵، فن ۵، تجدد ۲۴۴).

۱۵. ابن قولویه، جعفر قمی (م ۳۶۷ هـ) فهرستی برای کتابها و اصلها که خودش روایت کرده ترتیب داده بوده است و طوسی در احوالش از آن یاد کرده است. (قهپائی ۲: ۴۱).

۱۶. ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد (م. ۳۸۱ هـ) فهرست تألیفات

خویش را نگاشته بوده که طوسی در احوالش در فهرست یاد نموده گوید: او فهرست تصنیف های خود را مبوب و گسترده نگاشته است و من آن را به درازایش نمی آورم. ولی نجاشی در احوالش پیرامون ۱۵۰ عنوان برای کتابهایش را از فهرست کتبش نقل کرده است (قهپائی ۵: ۱۳۱، ۱۲۷).

۱۷. ابن بابویه صدوق محمد بن علی (۳۸۱ هـ). فهرستی از کتب علما تألیف کرده که در پیشگفتار کتاب دیگر خود «من لا یحضره الفقیه» بدان حواله می دهد. طوسی نیز در فهرست خود در ترجمه احوال زید نرسی از فهرست ابن بابویه محمد بن علی نقل می کند. و در احوال خودش گوید فهرست کتب او معروفست.

۱۸. ابن جنی، عثمان (۳۹۲-۳۳۰) فهرست آثار خود را در اجازتی که به حسین بن احمد بن نصر به تاریخ ۳۸۴ داد، آورده است (ذریعه ۱۶: ۳۷۹ و یاقوت، معجم الادباء ۱۲: ۱۱۱، ۱۰۹).

۱۹. فهرست ده جلدی کتابخانه ری: یاقوت گوید: هنگامی که سامانیان از صاحب عباد خواستند که از وزیری آل بویه ببرد و وزارت ایشان را بپذیرد گفت: چگونه می توانم به خراسان آیم که کتابخانه من به اندازه چهارصد بار شتر کتاب دارد؟

ابوالحسن بیهقی گوید: کتابخانه کنونی ری درستی این سخن را می رساند که من آن کتابخانه را پس از سوزانده شدن به دست محمود غزنوی دیده ام که فهرست آن کتابها ده مجلد می بود (معجم الادباء ۲: ۳۱۵، ۶: ۲۵۹).

۲۰. مقدسی به سال ۳۷۸ هـ در اثر خود از کتابخانه عضدالدوله (فرمانروای شیراز در سالهای ۳۶۴-۳۳۸ هـ) یاد می کند که کتابداران داشت و کتابهایش در قفسه ها به ترتیب موضوع مرتب شده بود و نام آنها در فهرستهائی ثبت شده بود. (احسن التقاسیم، چاپ عربی: ۴۴۹ و چاپ فارسی: ۶۶۹-۶۶۸).

۲۱. ابن سینا (م. ۴۲۸) درباره کتابخانه نوح بن منصور سامانی گوید: خانه های بسیار داشت و در هر خانه صندوقی چند از کتابهای دانشی ویژه. پس به فهرست کتابهای اوائل نگریستم و کتابهائی یافتیم که نام آنها به مردم نرسیده بود. (پورسینا، جوزجانی، نفیسی ص ۶۵).

۲۲. ابن عبدون، احمد بن عبدالواحد (م. ۴۲۳) فهرستی داشت که طوسی در فهرست خود لیست تألیفات کسی را از آن نقل می کند (قهپائی ۱: ۶۶).

۲۳. ابن غضائری، احمد که پدرش حسین در ۴۱۱ هـ درگذشت. دو فهرست و یک رجال داشت که تنها این سومین برجا مانده است. طوسی در آغاز فهرست خود گوید: احمد غضائری دو فهرست فراهم کرد یکی برای مصنفات شیعه دوم برای اصول ایشان و من (طوسی) هر دو را با هم در این فهرست گرد آوردم. [برای فرق میان «اصل» روایت شده و «تصنیف» تألیف شده، ن. ک. قهپائی ۱: ۹ و کشف الظنون در عنوان فقه (چ یالتقیا، ص ۱۲۸۲) و «الاصل فی الفروع» تألیف شیبانی (م. ۱۸۰ هـ)، ذریعه ۲۴:

۳۱۸۳۱۶ و احسن التقاسیم ترجمه منزوی پانوش (ص ۳۴۶). [نسخه این دو فهرست کتاب‌شناسی غضائری به دست نیست، سومین اثر او به نام کتاب الضعفاء در سده هفتم به دست احمد بن طاووس (م. ۶۷۳) بود که آن را در سال ۶۴۴ به طور پراکنده در کتاب خود حل الاشکال گنجانید. ابن طاووس در این کتاب پنج اصل رجالی شیعه (رجال و فهرست طوسی، اختیار کشی، نجاشی و الضعفاء غضائری) را به ترتیب حروف پخش کرد. در سده یازدهم ملا عبدالله شوشتری (م. ۱۰۲۱هـ) با بیرون نویسی نگاهشته‌های غضائری که در حل الاشکال پراکنده است متن نوینی برای ضعفاء غضائری فراهم نمود سپس عنایه الله قهپائی به سال ۱۰۱۶هـ باز هم کسان شناسانده شده در پنج کتاب یاد شده را برای بار دوم پشت سر هم در یک مجموعه پخش کرد و آن را مجمع الرجال نام داد.

۲۴. مفید: محمد بن محمد بن النعمان (۴۱۳.۳۳۶) فهرستی برای کتب خود ساخته بود که طوسی از آن نقل کند (قهپائی ۶: ۳۴: ۵). [بهترین فهرست آثار مفید را به تازگی مکدرموت Martin. G. mcDermott ایران شناس کانادائی فراهم کرد، که احمد آرام آن را به فارسی گردانید و به نام اندیشه‌های کلامی شیخ مفید به سال ۱۳۶۳ش در ۵۸۸ص چاپ شده و شماره عنوانهای آن آثار را به ۱۷۲ رسانیده است.]

کهن ترین فهرست های موجود:

۲۵. فهرست جالینوس و ترجمه های آن: جالینوس پزشک پرگاموسی (۲۰۰.۱۳۰م). فهرستی برای نگاهشته‌های خود ساخته که به «پیناکس» و در عربی به صورت «فینکس» شناخته می‌شود. فهرست جالینوس در دو بخش بوده است: ۱. آثار پزشکی او، ۲. نگارشهای منطقی، فلسفی، دستوری. وی سن خود را هنگام نگارش هر یک و انگیزه خود را در نگارش، در این فهرست بیان می‌کند. فهرست جالینوس که یکصد و بیست و نه اثر او در آن معرفی شده است، به دست ایوب رهاوی سربانی معروف به ابرش بغدادی از یونانی به زبان سربانی ترجمه شد (مقدمه حنین بر ترجمه عربی این فهرست) و حنین بن اسحاق آن را از سربانی به عربی ترجمه و گزارش نمود.

۲۶. فهرست حنین برای کتاب های جالینوس و دنباله رازی

بر آن: ابو زید حنین پسر اسحاق عبادی از سربانیان عرب شده حیره (۲۶۰.۱۹۴/ ۸۷۳.۸۱۰م). پزشک عالیمقام از ترجمانان زبردست سده سوم است، که در زبانهای یونانی، سربانی، فارسی و عربی چیره بود. زادگاه او «حیره» در ۱۸ کیلومتری نجف کنونی کمتر از دو سده پیش از تولد او مرکز امیران عرب وابسته به دولت ساسانی بود و در گوشه باختری مثلثی است که گوشه خاوری آن جندیشاپور و گوشه شمالی آن سورا، دو مرکز علمی جهان آن روز بوده است. او عربی را در فارسی آموخت و به بغداد به خدمت

مأمون رسید و به رهبری دارالترجمه گمارده شد و افزون بر ترجمه‌های خود، ترجمه دانشمندان دیگر را نیز ویرایش می‌کرد. زندگینامه او را ابن خلکان ۱: ۴۵۵ و ندیم چ تجدد ۲۵۲ طبقات الاطباء ۱: ۱۸۴ قفطی ۱۷۱، ابن ابی اصیبعه در عیون الابداء و ابن جلجل در طبقات الحکما آورده‌اند، و گابریلی زندگینامه و نگارشهای او را در مقاله‌ای در مجله ایزیس ۶: ۲۹۶.۲۸۲ به سال ۱۹۲۴م. و ماکس میرهوف نیز زندگینامه او را در پیشگفتار محققانه کتاب عشر مقالات فی العین تألیف حنین، چ قاهره، ۱۹۲۸م. به دو زبان انگلیسی و عربی آورده است. یکی از آثار مهم حنین نامه‌ای است که به سال ۲۴۲هـ برای علی بن یحیی پسر ابومنصور (م ۲۵۷هـ) که از درباریان متوکل عباسی (۲۴۷.۲۳۲) بود نگاهشته است و آثار جالینوس را که به زبان سربانی و عربی ترجمه شده بود، شناسانده است. که گویا از کهن ترین فهرستها در تاریخ اسلام باشد. حنین در ترجمه عربی این فهرست همه آثار جالینوس را با ذکر مترجم هریک و برانگیزنده او یاد می‌کند. یگانه نسخه از این رساله عربی حنین در کتابخانه ایاصوفیه ش ۳۶۳۱ است و برگستر اسر خاورشناس آلمانی آن را به آلمانی ترجمه و همراه متن عربی در سال ۱۹۲۵م. در لایپزیگ چاپ کرد. و ماکس میرهوف به سال ۱۹۲۶م. مقالاتی به انگلیسی در نقد آن در مجله ایزیس، ش ۸، ص ۷۲۴.۶۸۵ به چاپ رساند. سپس دکتر مهدی محقق آن رساله را به فارسی ترجمه و در بیست گفتار ص ۴۱۶.۳۶۸ چاپ کرد.

۲۷. رازی محمد زکریا نیز دنباله‌ای برای فهرست حنین دارد (ندیم، تجدد، ص ۳۵۸: ۴). بیرونی در فهرست خود این دنباله رازی را کتابی جداگانه برشمرده و آن را در بخش فنون گوناگون با شماره ۱۷۵ نهاده است ولی ابن ابی اصیبعه آن را بخش دوازدهم از کتاب الجامع (=حاوی) رازی برشمرده گوید: «القسم الثانی عشر فیما استدرکه... = بخش دوازدهم آنچه رازی بر شماره کتابهای جالینوس افزود، که حنین یاد نکرده بود و در اصل فهرست خود جالینوس نیز نیامده است.»

فهرست های محمد زکریای رازی: به رازی دو فهرست نسبت داده شده است، یکی دنباله‌ای که رازی برای فهرست حنین از آثار جالینوس نگاهشته که در بالا یاد شد.

۲۸. علاوه بر این رازی برای کتاب های خود نیز فهرستی نگاهشته که ندیم و قفطی از آن نقل می‌کنند. کهن ترین فهرست آثار رازی که به دست ما رسیده از ندیم است که نیم قرن پس از رازی در فهرست خود (چاپ تجدد، ص ۳۵۶.۵۹ و ۴۲۳) به نقل از فهرست رازی آورده است. چنانکه خواهیم دید فهرست آثار رازی در فهرست ندیم ۱۷۱ و در فهرست بیرونی ۱۸۴ است (ن. ک: فهرستهای بیرونی، بند ۳۱).

۲۹. ندیم: ابوالفرج محمد بن اسحاق معروف به ابن ندیم در گذشته ۲۰ شعبان ۲۸۵هـ. او فهرست خود را در ۳۷۷هـ نگاهشته است (چ تجدد ۴۱ و ۹۶

و ۱۴۶). چلپی به این کتاب در کشف الظنون چاپ قدیم «فوز العلوم» نام داده و از آنجا به ذریعه ۱۶: ۳۷۲ رسیده است ولی در چاپ اخیر کشف الظنون این نام به فهرست العلوم تبدیل شده است و شاید این بهتر باشد. فهرست ندیم بزرگترین فهرست از علوم است که از ملتهای پیش از اسلام به مسلمانان رسیده و همچنین دانشهای اسلامی آن روزگاران است. این کتاب در ده مقالات است:

مقاله اول - دوران کهن سه فن است: ۱. زبانهای ملل گذشته و خطشان. ۲. کتابهای آسمانی گذشته. ۳. قرآن.

مقاله دوم - نحویان نیز در سه فن است: ۱. آغاز نحویان بصره و کتبخان ۲. نحویان کوفه و کتب ایشان ۳. التقاطیان از ایشان و کتب آنان.

مقاله سوم - اخبار، سیر نسبنامه در سه فن است: ۱. اخباریان (مورخان) و کتب ایشان ۲. شاهان دبیران و عمال خراج ۳. ندیمان ادیبان خوانندگان و نوازندگان و کتب ایشان.

مقاله چهارم - در شعر که دو فن است: ۱. دوره جاهلیت ۲. اسلام. مقاله پنجم - علم کلام در پنج فن است: ۱. معتزله مرجئه و کتب ایشان ۲. شیعه نرم و تند و کتبخان ۳. جریان سنی ۴. خارجیان و کتبخان ۵. صوفیان و زهاد و کتبخان.

مقاله ششم - فقیهان هشت فن دارد: ۱. مالکیان ۲. حنفیان ۳. شافعیان ۴. داودیان ۵. شیعیان ۶. محدثان ۷. طبریان ۸. خارجیان.

مقاله هفتم - علم و فلسفه سه فن دارد: ۱. تاریخ فیلسوفان، طبیعی و منطقی ۲. مهندسان، ریاضی دانان ۳. پزشکان.

مقاله هشتم - خرافات و سحریات و تردستی ها (شعبده) نیز سه فن دارد: ۱. تاریخ قصه گوینان ۲. تاریخ تردستان ۳. کتابهای بی نام که در آن نگاشته شده است.

مقاله نهم - ادیان و مذهبها دو فن دارد: ۱. صائبیان و مانویان دبصانی، مرقیونی ۲. مذاهب خاوری، هندی، چینی.

مقاله دهم - کیمیاگران کهن و تازه.

فهرست ندیم یا فهرست العلوم یا فوز العلوم، این کتاب پس از آمدن مغول و انحطاط علوم به فراموش سپرده شده تا در سده نوزدهم گوستاو فلوگل اطریشی (۱۸۷۰-۱۸۰۲) آن را با چند نسخه تصحیح کرد و در لایبزیگ در ۱۸۷۱ به چاپ رساند که از روی آن در مصر نیز چاپ شد. سپس آقای رضا تجدد با مقابله آن با نسخه چستربینی و افزودن بخشهایی که در آن بود و فلوگل بدان دست نیافته بود، نسخه ای نسبه کامل تر فراهم و همان را به فارسی ترجمه و در ۱۳۴۳ ش. چاپ کرد و سپس در ۱۹۷۳ اصل عربی کامل شده را در ۴۲۶ ص چاپ و پخش کرد.

ندیم در این فهرست به تاریخ علم در ملل گذشته معاصر نظر دارد و از کتابها به نام و موضوع آنها بسنده دارد. ولی گاهی همچون یک کتاب شناسی

امروزین خصوصیات کتاب مانند آغاز و انجام آن را نیز معین می کند. او آغاز ۱۱ بخش اغانی اسحاق موصلی (چاپ تجدد: ۱۵۹) و آغاز کتاب حیوان جاحظ را (چ. تجدد: ۲۱۵) معین کرده است.

۳۰. فهرستواره زراری که در بند ۴ یاد شد و در کشکول بحرینی چاپ شده است (ذریعه ۱: ۱۴۳-۱۴۴ و ۲: ۴۶۵)

سده پنجم، روند تکاملی فهرست نگاری

فهرست نگاری در سده پنجم در دو خط مشخص دیده می شود. نخست فهرستهای بیرونی در خاور ایران که بیشتر جنبه علمی دارند. دوم فهرستهایی که در باختر ایران تألیف شده که بیشتر جنبه مذهبی شیعی تصفیه شده دارند.

فهرستهای بیرونی ۳۱. نخست: از ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰هـ)

یک فهرست دو بخشی در دست است. الف: فهرست آثار رازی که در بالا ذکرش گذشت. ب: فهرست آثار خود بیرونی. او این کتاب را به سال ۴۲۷هـ که ۶۳ سال خورشیدی و ۶۵ قمری از سن او گذشته بود نگاشت و در سرآغاز آن به کسی که نامش را نیاورده و خواهان شناسائی آثار محمد زکریای رازی شده بود، می گوید: من تا آنجا که بتوانم آنچه را که از نگاشته های او دیده ام و یا به راهنمایی خود وی در کتابهایش به نام آنها پی برده ام، در اینجا یاد می کنم، بیرونی که در دربار ترکان متعصب غزنوی می زیست در پیشگفتار کتاب، بیم خود را از گردآوری فهرست آثار رازی که مبادا بوی هم فکری و گرایش علمی با او را داشته باشد آشکار کرده گوید: من به احترام درخواست تو (نام درخواست کننده را نیز از ترس پنهان داشته است) این کار را انجام دادم. نسخه این کتاب به شماره ۱۳۳ در کتابخانه لیدن هست. زاخائو E. Sachau بخشی از آن را که مشتمل بر آثار بیرونی بود، در پیشگفتار کتاب آثار الباقیه ص ۴۸۳۸ بیرونی در لایبزیگ (۱۸۷۸م) چاپ کرد. سپس ویده من E. Wiedemann به سال ۱۹۲۰م بخش آثار بیرونی را، و روسکا J. Ruskal به سال ۱۹۲۵م. بخش آثار رازی را به آلمانی ترجمه و نشر کردند. سپس همه رساله با ویرایش و گزارش و پانوشتهای پل کراوس P. Kraws در پاریس به سال ۱۹۳۶م. در ۵۱ ص به عنوان رساله للبیرونی فی فهرست کتب الرازی چاپ شد:

Epitre de Beruni. Contenant des ouvrage de Mohammad

B. Zakariya Ar-razi.

بیرونی در بخش یکم این فهرست یکصد و هشتاد و چهار عنوان کتاب به رازی نسبت داده است. گویند این شماره در فهرست ندیم ۱۶۷ عنوان است. ولی من در چاپ تجدد، ص ۳۵۹۶ و ۴۲۳ آن را ۱۷۱ عنوان برشمردم. به هر حال پس از بیرونی ابن ابی اصیبعه (احمد ۶۶۸۵۹۶) در عیون الانباء این شماره را به ۲۳۸ رسانیده است.

در سده هفتم ابواسحاق ابراهیم بن محمد تبریزی معروف به غضنفر از دانشمندان بیرونی‌شناس که صیدنه بیرونی را در ۶۷۸ هـ رونویسی کرده است، پیوستی برای این فهرست بیرونی ساخت به نام المشاطه لرساله الفهرست نسخه‌ای از این رساله همراه با رساله بیرونی در مجموعه ش ۱۳۳ کتابخانه لیدن هلند موجود است (مهدی محقق، بیست مقاله، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۲۵، ۱۲۱).

دکتر محمود نجم‌آبادی نیز فهرستی از آثار رازی با سنجش میان چهار فهرست ندیم، بیرونی، قفطی و ابن ابی اصیبعه و تعیین جای نسخه‌های هر یک فراهم کرد و شماره آنها را به ۲۷۱ عنوان رسانید و آن را به نام مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد زکریای رازی در ۱۳۳۹ ش. در ۴۴۴ ص چاپ کرد. این کتاب به سال ۱۳۱۸ ش. نیز به شکلی کوچکتر چاپ شده است. بوالو D.G. Boilot بخش دوم یعنی آثار بیرونی از این فهرست را که ۱۳۸ عنوان دربر دارد جدا ساخته با افزودن ۴۲ عنوان از منابع دیگر، آنها را به ۱۸۰ رسانید، آگاهی‌های کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی هر یک را نیز از فهرست‌های گوناگون بر آن افزود و آن را در مجله بنیاد دومینیکی قاهره دارالمعارف مصر ج ۲ به سال ۱۹۵۵ م. ص ۲۵۶، ۱۶۱ منتشر کرد. آقای پرویز ادکائی نیز همان بخش آثار بیرونی را از روی چاپ زاخائو با تحقیقات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی بوالو، به فارسی برگردانید و به سال ۱۳۵۲ ش. به یاد هزاره بیرونی در ۱۰۴ ص چاپ و منتشر کرد. سپس احمد سعید خان هندی کتاب‌شناسی ابوریحان بیرونی را به انگلیسی در ۱۹۷۱ م. به صورت گسترده‌تر چاپ کرد و عبدالحی حبیبی به سال ۱۳۵۲ ش. آن را به فارسی برگردانید و به مناسبت هزاره ابوریحان از طرف شورای عالی فرهنگ و هنر در تهران در ۲۳۰ ص چاپ شد.

دوم: فهرست‌های مهم تصفیه شده شیعه در باختر کشور:

۳۲. چون مردم باختر ایران به دستگاه خلافت بغداد نزدیکتر می‌بودند فعالیت‌های مغزی ایشان نیز بیش از مردم خاوران رنگ مذهبی می‌داشت. همچنان که سیاستمداران شیعی معتدل، در غرب ایران (خاندانهای نوبختی، فراتی، رفیل، ساجیان و مانند ایشان) با دولت عباسی در سرکوب غلات شیعه اسماعیلی و قرمطی می‌کوشیدند، مراجع شیعی معتدل چون مفید (م. ۴۱۳ هـ) مرتضی (م. ۴۳۶ هـ) کراچکی (م. ۴۴۹ هـ) طوسی (م. ۴۶۰ هـ) در فهرست‌ها و کتاب‌شناسی مذهبی خود نیز به اخراج غلات از دایره تشیع پرداختند. غضایری (م. پس از ۴۱۱ هـ) با نگارش کتاب الضعفاء بسیاری از مؤلفان غلات را غیر قابل اعتماد اعلام نمود. طوسی (م. ۴۶۰ هـ) نیز کتاب رجال کشی (م. ۳۲۸) را پاکسازی کرده بسیاری از ایشان را بیرون ریخت. اینک فهرست‌های مذهبی این قرن: الف. فهرست‌های شخصی. ب. فهرست‌های همگانی.

الف: فهرست‌های شخصی:

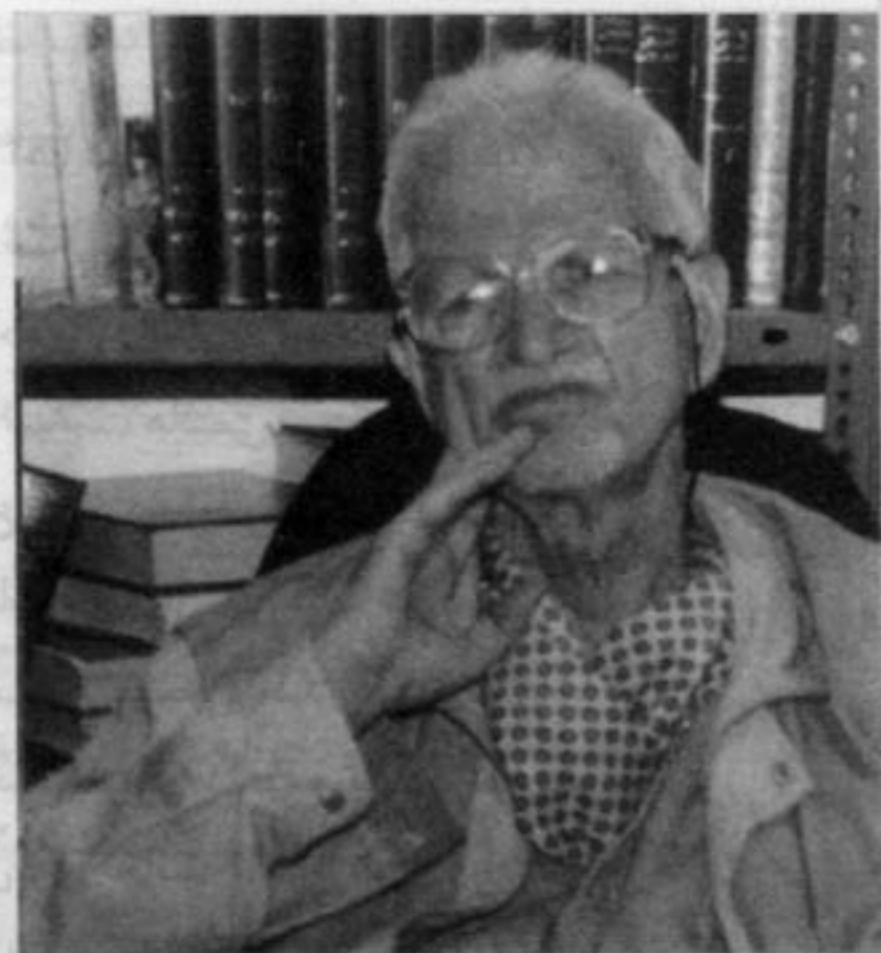
۳۳. مفید محمد بن نعمان (م. ۴۱۳ هـ) فهرست او در بخش فهرست‌هایی که متن آنها به دست نیست یاد کرده شد (بند ۲۴).

۳۴. مرتضی علم‌الهدی علی بن حسین (۴۳۶، ۳۵۵ هـ) (نقیب طالبیان عراق در دوران آل بویه که به موجب سیاست هاشمی از حکومت عباسیان در برابر شیعیان تندرو اسماعیلی دفاع می‌کردند) طوسی در فهرست خود تألیفات مرتضی را از فهرست مؤلفات وی نقل می‌کند. صاحب ذریعه احتمال می‌دهد که این فهرست تألیف خود مرتضی باشد یا فهرستی باشد که شاگرد او محمد بصری از کتب استاد فراهم ساخته و سید مرتضی بر پشت نسخه آن اجازتی روایتی برای وی نگاشته است. تاریخ این اجازه دارای فهرست‌واره شعبان ۴۱۷ هـ می‌باشد و نسخه آن در سپهسالار (۲۵۳۳۶) و (ف. ۵: ۳۹۱) مشهد (ف. ۲: ۶۶) هست و در کتاب ادب المرتضی من سیرته و آثاره تألیف عبدالرزاق محیی‌الدین ج مصر به سال ۱۹۵۷ م. ص ۱۳۱ و ۱۶۷، ۱۶۴ یاد شده است.

۳۵. کراچکی محمد بن علی بن عثمان (۴۴۹ هـ) که از جانب سید مرتضی برای مبارزه با اسماعیلیان به قضاوت طرابلس شام منصوب شد، فهرستی داشته است و ابن طلوس (۵۸۹، ۶۶۴ هـ) در دروع الواقیه زندگینامه جعفر بن احمد قمی را و این که او ۲۲۰ تألیف داشته است، از آن کتاب که نسخه‌اش را داشت نقل می‌کند (آقا بزرگ، طبقات ۵: ۱۷۹ و ذریعه ۱۶: ۳۹۲). ولی نوری در مستدرک الوسائل (۳: ۴۹۷) متن کتابچه فهرست تألیفات کراچکی را که نگارش یکی از همروزگاران کراچکی بود چاپ کرده است، و در آن نامی از فهرست یاد شده در بالا نیست. صاحب ذریعه احتمال نسبت تألیف فهرست کتب کراچکی را به ابوالقاسم پسر شیخ مفید و موسی پسر کراچکی نیز نقل کرده است. ولی چون نگارنده این فهرست می‌گوید: کراچکی روضه العابدین را برای پسرش نگاشت آشکار است که نگارنده پسر کراچکی نیست و گرنه می‌گفت: برای من نگاشت (ذریعه ۱۶: ۳۷۹).

ب. مهمترین فهرست‌های همگانی کتب شیعه

۳۶. دو فهرست نجاشی احمد بن علی (۳۷۲، ۴۵۰ هـ) و طوسی محمد بن حسن (۳۸۵، ۴۶۰ هـ) را می‌توان مهمترین فهرست‌های کتاب‌شناسی ویژه شیعه در سده پنجم شمرد. این دو کتاب در کنار سه رجال کشی (م. ۳۲۸ هـ) و غضائری (م. بعد ۴۱۱ هـ) و طوسی، پنج اصل رجالی شیعه به شمار می‌آید، که در سال ۱۰۶۱ هـ به دست عنایه‌الله قهپاتی به ترتیب نام کسان دنبال هم نهاده شد و مجمع الرجال نام گرفت که به تازگی به وسیله ضیاءالدین علامه فانی در اصفهان به سال ۱۳۸۷ هـ در ۷ مجلد چاپ شده است. هر یک از دو فهرست نجاشی و طوسی جداگانه نیز چنانکه خواهیم دید منتشر شده است، هر چند طوسی سیزده سال جوان‌تر از نجاشی بود



لیکن فهرست نجاشی پس از فهرست طوسی و برای اصلاح آن نگاشته شده و در چند جای کتاب (مثلاً در احوال صدوق و طوسی) از فهرست طوسی نقل کرده است و به همین سبب پخته‌تر و شکل گرفته‌تر از آن است. و تکیه رجال‌شناسان شیعه بر فهرست نجاشی بیش از فهرست طوسی است. نجاشی مرگ محمد بن تیان را در سال ۴۱۹ هـ یاد کرده است و

درباره سید مرتضی (م. ۴۳۶ هـ) گوید: من جنازه او را شستم. متن اصلی رجال نجاشی در بمبئی ۱۳۱۷ هـ چاپ شد و سپس چند بار در ایران از نو چاپ گردید. رجال نجاشی تنها به حرف اول مرتب بوده است و چند تن از رجال‌شناسان بعد آن را از نو به تمام حروف مرتب کرده‌اند که سه ترتیب آن در ذریعه ۴: ۷۰ یاد شده است. هر چند تکیه نجاشی و طوسی هر دو بر کتاب‌شناسی است ولی کتاب نجاشی بیشتر به رجال و کتاب طوسی به فهرست شهرت یافته است.

۳۷. طوسی نیز مثل نجاشی در فهرست خود تنها حرف آغاز نام کسان را رعایت کرده است، پس کسانی چند از رجال‌شناسان هر یک جداگانه حرفهای دیگر فهرست را نیز مرتب نمودند. سه ترتیب آن در ذریعه ۴: ۶۶ و ۲۰: ۲۹ یاد شده است.

محقق حلی (۶۷۶۶۰۲ هـ) بخشهای کتاب‌شناسی را از فهرست طوسی انداخته و به رجال‌شناسی آن بسنده کرده آن را تلخیص‌الفهرست نامیده است (ذریعه ۴: ۴۲۵).

سلیمان ماحوزی از دانشمندان شیعه بحرین (م. ۱۱۲۱) به سال ۱۱۰۷ شرحی بر فهرست طوسی آغاز کرد و معراج‌الکمال نامید ولی موفق به انجام آن نشد (ذریعه ۲۱: ۲۲۸).

فهرست طوسی نخستین بار به وسیله اسپرنگر A. Sprenger التبرولی و مولوی عبدالحق و مولوی غلام قادر به سال ۱۸۵۳/۱۲۷۱ در کلکته چاپ شد، ویراستار مطالبی از فهرست نجاشی بر آن افزوده و کتاب را بر حروف تمام کلمه مرتب کرده است و در ۳۸۳ص + ۴ص مقدمه انگلیسی چاپ کرد. و از این روی جز با دقت فراوان نمی‌توان مطالب این چاپ را به طوسی نسبت داد. پس محمدصادق بحر العلوم در نجف به سال ۱۹۳۷ م. متن اصلی فهرست طوسی را با چند نسخه تصحیح و پانوشتهائی چاپ کرد و سپس در سال ۱۹۶۰ م. آن را با تحقیق بیشتر از نو به چاپ رساند. به سال ۱۳۵۱ ش. به مناسبت جشن هزاره طوسی در دانشگاه مشهد آقای محمود

رامیار چاپ اسپرنگر را افست کرده با ۱۵ صفحه پیشگفتار و ۱۵۶ صفحه فهرستها از نو منتشر کرده است.

۳۸- سده ششم، دو پیوست برای فهرست طوسی:

در سده ششم دو تن از دانشمندان دنبال کار طوسی (۴۶۰-۳۸۵) را گرفته و فهرستهائی برای کتب شیعه و دانشمندان آن نگاشتند. الف: ابن بابویه (۵۰۴ - پس از ۶۰۰) منتجب‌الدین ابوالحسن علی بن عبدالله بن حسن بن حسین بن بابویه قمی رازی. زایش او را شاگردش رافعی در التدوین فی تاریخ قزوین یاد کرده است، و تاریخ مرگ او نامشخص است. ولی ابن فوطی م. ۷۲۳ در تلخیص مجمع‌الاداب ۵: ۷۷۵، از اجازتی یاد می‌کند که منتجب بن بابویه در ۶۰۰ صادر کرده است. او راست:

اسماء مشایخ الشیعه و مصنفیهم. این عنوان موضوعی است که نگارنده در دیباچه کتاب بدان داده است، و در کتاب دیگرش اربعین حدیث (ذریعه ۱: ۴۳۳) که پس از این نگاشته‌واژه «فهرست» را نیز بر آن افزوده است. ولی در صفحه عنوان چاپ طباطبائی بنام «فهرست علماء» (بجای مشایخ الشیعه و مصنفیهم نامیده شده است.

نگارنده در دیباچه گوید: آن را به تشویق صدر نقیب عزالدین ابوالقاسم یحیی پسر ابولفضل محمد پسر صدر ابوالقاسم علی به نگارش این کتاب پرداخت، زیرا که در یک نشست، گفتگو از این می‌رفت که پس از شیخ طوسی کسی به گردآوری فهرست کتب شیعه و دانشمندان آن نپرداخته است، پس من این کتاب را به پیروی از طوسی به ترتیب حروف (تنها در حرف آغاز کلمه) بسیجیدم. و چون عزالدین یحیی در سال ۵۹۲ به دست تکش خوارزمشاه متعصب کشته شده است (تجارب السلف، ص ۳۳۳)، پس آغاز نگارش کتاب، پیش از آن تاریخ خواهد بود. عباس اقبال در پیشگفتار خود بر چاپ کتاب معالم العلماء ابن شهر آشوب می‌گوید: چون منتجب بن بابویه در این فهرست برای قطب‌الدین راوندی م ۵۷۳ هـ با واژه «رحمه‌الله» دعا کرده است، پس کتاب را پس از آن تاریخ نگاشته است. ولی باید گفت:

این واژه که در نسخه اقبال بوده در چاپهای فهرست دیده نمی‌شود و نیز می‌تواند افزایش نویسندگان نسخه‌ها باشد، چنانکه درباره محمود حمصی (م ۶۰۰) نیز همین واژه را آورده‌اند. شمار کسان شناخته شده در این کتاب، در چاپ طباطبائی که شماره‌گذاری شده است ۵۴۴ تن است. نگارنده برای هر یک از ایشان به یکی از دو سطر زندگینامه بسنده کرده فهرستی از نگاشته‌های ایشان می‌آورد. و مانند طوسی بسیار کسانی را نیز یاد می‌کند و کتابی به ایشان منسوب نمی‌دارد. چاپ: فهرست منتجب بن بابویه را مجلسی در مجلد اجازات بحار گنج‌انیده بود پس در چاپ سنگی (سال ۱۳۰۳/۱۳۱۴ هـ / ۱۸۸۵/۱۸۹۷ م) در جلد ۲۵ جا گرفت و در چاپ حروفی نوین (سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ هـ / ۱۹۵۷-۱۹۷۳ م. و افست بیروت از روی آن در

سال ۱۹۸۳ م.) در جلد ۱۰۲ ص ۲۰۰ تا ۲۹۸ چاپ شده است. سپس جداگانه با تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی و پانوشتهای او به سال ۱۴۰۴/هـ/۱۹۸۶ م در بیروت پخش شده است. شماره کسانی که در چاپ شناخته شده‌اند چنانکه گفته‌اند ۵۴۴ تن و طباطبائی ۹ تن دیگر را که دیگران از منتجب بن بابویه نقل کرده‌اند بر آن افزوده به ۵۵۳ رسانیده است.

چون این فهرست در حرف دوم نامرتب است حاج آقا حسین بروجردی مرجع معاصر آن را به تمام حروف مرتب ساخته که نسخه آن را صاحب ذریعه دیده است (ذریعه ۲۶: ۱۸۸)

۳۹ ب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸) ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی، از مردم ساری مازندران بود. و در زیر فشار قشریان متعصب سلجوقی و خوارزمشاهی، هنگامی که عبدالرزاق رئیس شیعه نیشابوری و محمد بن حسن، دو استاد او را کشتند، از میهن خود بگریخت و در حلب به اندرزگویی و تدریس پرداخت، تا در ۲۲ شعبان سال یاد شده درگذشت، و در کوه جوشن به خاک سپرده شد. آنجا گورستان شیعیان و گریختگان از فشار ترکان سنی ایران بود، و بنای یادبود رأس الحسین و محسن السقط نیز در آنجاست. او راست: متشابه القرآن و مناقب آل ابیطالب که در (ذریعه ۱۹: ۶۲ و ۲۲: ۳۱۸) نسخه‌های خطی و چاپهای آن دو نشان داده شده است. معالم العلماء: سومین و مهمترین کار ابن شهر آشوب این کتاب است، که در دیباچه‌اش، آن را پیوستی برای فهرست طوسی شمرده گوید: نام پیرامون ششصد مصنف (تالیف) را بر آن افزوده‌ام. در اینجا از شمار کسانی که بر فهرست طوسی افزوده یاد نمی‌کند، شمار کسان در معالم العلماء چاپ اقبال ۹۹۰ است، و شمار کسان در «فهرست» طوسی در چاپهای گوناگون از ۸۸۳ تا ۹۰۹ تن می‌باشد.

جدایی این کتاب با فهرست منتجب بن بابویه (ن. ک. بند ۳۸ و الف) در آن است که بابویه تنها کسانی را یاد می‌کند که طوسی نیاورده بود. ولی شهر آشوب ایشان را نیز بگونه کوتاه شده در فهرست خود آورده است. و در پایان بخش ویژه سرایندهگان را نهاده است. شهر آشوب بر خلاف بابویه و طوسی کمتر از کسانی نام می‌برد که کتابی به ایشان نسبت ندهد.

شهر آشوب در دیباچه این کتاب از شیخ مفید (۴۱۳: ۳۳۶) نقل می‌کند که شیعیان در دو قرن و نیم آغازین اسلام چهارصد کتاب به نام «اصل» فراهم کرده‌اند. تا اینجا وی نخستین کس است که از این چهارصد «اصل» که منابع فرهنگ شیعه را تشکیل می‌دهد، یاد کرده است. برای فرق اصل با تصنیف بند ۲۳ دیده شود.

چاپ: معالم العلماء با تصحیح و پیشگفتار عباس اقبال، تهران، ۱۳۵۳ هـ (۱۹۳۴ م.) ۱۴۳ ص، بار دوم. تصحیح سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۰ هـ/ ۱۹۶۱ م.، ۱۵۹ ص، چاپ شده است.

سده هفتم و چند فهرست خصوصی:

از سده هفتم چند فهرست کوچک به ما رسیده است:

۴۰. ابن عربی، محیی‌الدین (۶۳۸: ۵۶۰) فهرستی برای نگاشته‌های خود فراهم ساخته است، که ۲۴۸ عنوان را در آن یاد کرده است. گرگیس عواد نگاشته‌های ابن عربی را که در آن فهرست نیامده بر آن بیفزود و شمار آنها را به ۲۷۹ رسانید. این گفتار گرگیس عواد در مجله «المجمع العربی بدمشق» ش ۳ و ۴ ج ۲۹ سال ۱۹۵۳ م. و ج ۳۰ سال ۱۹۵۵ م. چاپ شده است.

۴۱. سبط ابن جوزی، یوسف ترکمن (۶۵۴: ۵۷۲) در مرآة الزمان چاپ دکن ۸: ۴۸۹ و چاپ شیکاگو ۸: ۳۱۲: ۳۱۶ فهرست کتابهای ابن جوزی، عبدالرحمان (۵۹۷: ۵۱۰) را آورده آن را به ۲۵۰ رسانیده است. این فهرست را گرگیس عواد در مجله «المجمع العلمی العربی دمشق» سال ۲۹ و ۳۰ چاپ کرده است.

۴۲. ابن طاوس: رضی‌الدین علی بن موسی (۶۶۴: ۵۸۹) نسب خود را به امام حسن مجتبی پسر علی (ع) می‌رساند. ولی او در خاندان کردان عرب شده ورامی نخعی الولاء حله پرورش یافته. شیخ طوسی (۴۶۰: ۳۸۵) را نیز نیای مادری می‌شمرد. او که چند مجلد درباره دعاها و گوناگون نگاشته، کتاب‌هایی نیز در تاریخ به ویژه علم نجوم به نام فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم دارد (چاپ نجف، ۱۳۶۸/۱۹۴۹ م.) و در کتابهای دیگر خود به کتاب‌شناسی و تاریخ عقاید نیز می‌پردازد. او فهرستی برای کتابخانه شخصی خود نگاشته و الا بانه فی معرفه اسماء کتب الخزانة نامیده است (ذریعه ۱: ۵۶). و نیز او راست:

سعد السعود: ابن طاوس در پیشگفتار آن گوید: چون در الا بانه فی معرفه اسماء کتب الخزانة تنها به اشارت به نام کتاب بسنده کرده بودم، در این جا گزارش بیشتر می‌دهم. این کتاب در دو باب و هر یک دارای ده‌ها فصل بی‌شماره است.

باب یکم: مصحف‌ها. در یک فصل آن قرآنی را معرفی کرده که ترتیبی جز این ترتیب معروف داشته است. سپس فصلی برای نسخه‌های انجیل و زبور دارد. باب دوم. از تفسیرهای قرآن که دارد گفتگو می‌کند: تبیان طوسی، تفسیرهای علی بن ابراهیم قمی و ابن عباس و جوامع الجامع و کتاب محمد بن عباس بن مروان، تفسیر امام باقر (محمد بن علی بن الحسین)، کشف زمخشری، تفسیر جبائی (همان کتاب فارسی که از میان رفته است)، فوائد القرآن عبدالجبار همدانی، تفسیرهای بلخی عبدالله بن احمد، محمد بن سائب کلبی، ثعلبی، سلمی، عبدالرحمان ازدی، ابن جریج، علی بن احمد الواحیدی، نیشابوری، جعفر مروزی، عبدالعزیز جلودی، احمد المنادی، محمد بن جریر طبری، احمد ثعلبی، احمد خلال، زمانی، ابوعمرو خلال، عزیزی، ابوجعفر نحاس، اخفش، نسائی، فراء، قطرب، عبدالرشید استرآبادی، علی بن عیسی جراح، زجاج، ازهری. و در پایان فهرست گوید:

این کتاب را به همان ترتیب الابانه مرتب کردم. (سعد السعود چاپ: نجف، ۱۹۵۰م. ۲۹۸ص).

ابن طاوس فهرستی از نگاشته‌های خود را در کتابی به نام کتاب الاجازات بکشف طرق المفازات آورده، که بخشی از آن را مجلسی در بحارالانوار گنجیند (چاپ آخوندی، تهران، ج ۱۰۴، ص ۴۵۳۷). وی بسیاری از نگاشته‌های خود و دیگران را در کتاب دیگر خویش به نام، کشف المحجّه که به صورت وصیتنامه برای دو پسرش محمد و علی نگاشته معرفی کرده است. این کتاب در ۱۸۸۹/۱۳۰۶م. در ایران چاپ سنگی شده، سپس در ۱۹۵۰م. با پیشگفتار پدرم آقا بزرگ تهرانی صاحب «ذریعه»، در نجف چاپ سربی شده است. ترجمه فارسی آن نیز با احوال ابن طاوس و آقا بزرگ تهرانی از دکتر اسدالله مبشری در ۱۳۶۸ش در تهران چاپ شده است.

۴۳. احمد بن طاوس (م. ۶۷۳) برادر علی بن طاوس پیشگفته درباره کتاب حل الاشکال او در بند ۲۳ گفتگویی کردیم.

۴۴. سده هشتم: در این دوره، هر چند علامه حلی و ابن داود هر یک کتابی در رجال ساخته‌اند، لیکن درباره کتابشناسی جز چند فهرست کوچک و خصوصی اثری در دست نیست.

۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۷۲۶۶۴۸): الف: صاحب ذریعه، جدا از کتاب خلاصه الاقوال فی علم الرجال کتابی نیز به نام فهرست المصنفین بدو نسبت داده است.

ب: یکی از اجازه‌های حلی که پیرامون هفتصد بیت نوشته دارد و برای گروهی از خاندان «زهرة حلبی» در ۱۵ شعبان ۷۲۳ صادر کرده است، خود یک فهرستواره از کتابهایی است که روایت کردن آنها را به گیرنده اجازه رخصت داده است. او درباره برخی از آنها خصوصیات کتاب‌شناسی نیز آورده است. چنانکه برای کتاب الولایه ابن عقده، آغاز آن را نیز یاد می‌کند. این «اجازه» را مجلسی در بخش اجازه‌های «بحارالانوار» گنجینده، و در چاپ آخوندی، افسر بیروت، جلد ۱۰۴، ص ۱۳۷۶۰ دیده می‌شود.

۴۶. رکن الدین گرگانی، محمد بن علی، همروزگار علامه حلی پیشگفته، و شاگرد بزرگ او. شرح‌کننده مبادی الاصول وی است. (آقا بزرگ تهرانی. اعلام الشیعه، ۸: ۱۹۴). صاحب مقایس الاصول می‌گوید: که وی فهرستی برای نگاشته‌های خود فراهم کرده است. (ذریعه ۱۶: ۳۸۱).

۴۷. ابن قیم جوزیه دمشقی، محمد بن ابی‌بکر بن قیم (۷۵۱۶۹۱). او فهرستی از نگاشته‌های ابن تیمیه (م. ۷۲۸) ساخته و شمار آنها را به ۳۴۱ کتاب رسانیده است. این کتاب در دمشق، ۱۹۵۳م. چاپ شده است.

۴۸. سده نهم و دهم: با استوار شدن خلافت اسلامی به دست ترکهای عثمانی که پیرو مذهب نرم حنفی بودند، نرمش مذهب «ارجائی» حنفیان، بر خشونت ضد علمی تسنن سلفی پیروز شد، نگارش تاریخ علم کتاب‌شناسی از لیست محرّمات مذهبی بیرون آمد. دیگر کسی برای دست

زدن بدین کارها نه مانند ابن اسحاق (م. ۱۵۱) نفی بلد می‌گردید، و نه مانند طبری (م. ۳۱) متهم به رفض و خانه‌اش سنگباران می‌شد و از دفن در مقابر اسلام ممنوع می‌شد (مشکوٰه ۵: ۸۴) از منافات مورخ بودن با مسلمان سنی بودن کاسته شد. از این رو در این سده‌ها چند فهرست همگانی و خصوصی در جهان تسنن پدید آمد.

۴۹. سیوطی جلال الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر (۹۱۱۸۴۹). گمنامی فهرست نگاشته‌های او را گرد آورده، شمار آن را به ۵۰۴ عنوان رسانیده است این فهرست را فلوجل در دنبال کشف الظنون (ج ۶: ۶۷۹۶۶۵) چاپ کرده است.

۵۰. ابن طولون، محمد بن علی دمشقی (۹۵۳۸۸۰). کتابی در زندگینامه خودش به نام الفلک المشحون فی احوال ابن طولون دارد، که به سال ۱۹۴۸ در دمشق چاپ شده است. صفحه‌های ۴۸۲۶ آن کتاب فهرست نگاشته‌های اوست به ترتیب الفبایی.

۵۱. طاشکبری زاده، عصام الدین اسد (۹۶۸۹۰۱). وی «شقایق نعمانیه فی علما الدوله العثمانیه» و «مفتاح السعاده و مصباح السیاده» را در استانبول بنکاشت. که در این دومین ۱۵۰ دانش را در شش بخش معرفی کرده است. و کتابهایی را که در هر یک از آنها نگاشته شده بود، با زندگینامه کوتاه از نگارنده‌اش در شش بخش بیاورد: ۱. خط و قلم ۲. زبان ۳. منطق ۴. فلسفه کشاورزی و پزشکی ۵. اخلاق و شرعیات ۶. عرفان و علم باطن، این کتاب در حیدرآباد دکن، ۱۳۲۸ق. چاپ شده است.

چلبی می‌گوید: کمال الدین محمد (م. ۱۰۳۲ق) پسر نگارنده، کتاب پدر را به زبان ترکی، ترجمه و تکمیل کرده به پانصد علم رسانیده است.

۵۲. سده یازدهم: در این سده، در ایران عنایه الله قهپائی، به سال ۱۰۱۶ق، به جمع کردن پنج اصل رجالی سده پنجم در کتابی به نام مجمع الرجال پرداخت که در عنوان «فهرستهای مهم شیعه» (بند ۳۶) در آن سده یاد شد. در کشور عثمانی نیز کشف الظنون نگاشته شد.

مصطفی پسر عبدالله معروف به حاجی خلیفه و کاتب چلبی (قسطنطنیه ۱۰۶۷، ۱۰۱۷). به ترکی و فارسی و عربی می‌خواند و می‌نوشت. او خود را حنفی مذهب و اشرافی مشرب می‌خواند و شاید همین مذهب «ارجائی» و مشرب عرفانی بود، که او را به سوی کار بزرگ علمی نگارش کشف الظنون کشانید. و در پایان به کناره‌گیری از کار دولت خلیفه عثمانی واداشت، تا باقی عمر را در خدمت به علم بگذراند. و از شرکت خود در سپاه شکست‌خورده ترکان عثمانی در جنگ بر ضد ایران و محاصره نه ماهه ولی بی‌نتیجه بغداد پشیمان باشد و آن را «سفری مایوسانه و مخذولانه» توصیف کند. ولی او در پایان کتاب، باز هم به اقتضای محیط، قشریگری نشان داده، برای احیای ذکر علوم اوائل (که نزد سنیان سلفی کفر است) از خداوند پوزش خواسته است (ج یالتقایا، ج ۲، ستون ۲۰۵۶).

ولی زندگینامه خود و پدرش را که کارمند حسابداری دولت عثمانی بودند، و چگونگی تحصیلاتش را در دو کتاب خود سلم الوصول الی طبقات الفحول (ایضاح المکنون ۲: ۲۴) و میزان الحق یاد کرده است. و محمد شرف‌الدین یالتقیا در پیشگفتار چاپ «کشف الظنون» استانبول ۱۹۴۱ م. آورده است. و آگاهی‌های این مقالت عمدتاً از آنجاست.

۵۳. کشف الظنون: از یکسو فهرست کتاب‌شناسی همچون فهرست ندیم است ولی به ترتیب الفباء، و از سوی دیگر دانش‌ها را مانند احصاء العلوم فارابی و مفاتیح خوارزمی ولی پراکنده به ترتیب الفباء معرفی می‌کند. پس گونه‌ای دائره‌المعارف الفبایی کتاب‌شناسی، با یادآوری بخش‌ها و سرآغاز کتابها می‌باشد، که ترتیب الفبائی آن تا سده یازدهم پیشینه نداشت. بخشهای کتاب‌شناسی را، چنانکه خود در میزان الحق می‌گوید از بررسی کتابها، در دهه‌های کتاب‌فروشان و کتابخانه‌های حلب آغازیده است. و در بخشبندی دانشها و تعریف اصطلاح‌های علمی، او خود را مدیون ملا لطفی کشته سال ۹۰۰ در «مطالب الهیه» و طاشکبری زاده، در «مفتاح السعاده» و محمد امین شیروانی در «فوائد خاقانیه» می‌شمرد. و از این رو، یالتقیا در پیشگفتار پیشگفته، فارابی را در احصاء و خوارزمی در مفاتیح و سیوطی در النقایه و محمد امین شیروانی در فواید را پیشگامان راه حاجی خلیفه شمرده است. ولی چون این کتابها رنگ کتاب‌شناسی ندارد. من از ذکر آنان در این گفتار خودداری کردم.

چلبی بیست سال از زندگانی کوتاه خود را برای پدید آوردن این انسیکلوپدی کتاب‌شناسی صرف کرد. پیرامون پانزده هزار عنوان کتاب، نه هزار و پانصد نگارنده آنها را بشناسید، در پیرامون سیصد دانش و هنر گوناگون سخن گفت. وی چنانکه به خامه خود در پایان نسخه چرکنویس می‌نویسد، نخست کتاب را به «اجمال الفصول و الابواب فی ترتیب العلوم و اسماء الکتاب» نامید، سپس آن را به «کشف الظنون عن اسماء الکتب و الفنون» برگردانید. او کتاب را تا عنوان «دروس» پاکتویس کرد و درگذشت. اکنون نسخه این پاکتویس در کتابخانه «روان کوشکی» و چرکنویس همه کتاب به همان خامه نگارنده در کتابخانه «جارالله» ولی‌الدین به شماره ۱۶۱۹ نگاهداری می‌شود.

تاریخ نگارش: چلبی در پایان حرف «ث» از کتاب گوید: [تم المجلد الاول ... روز شنبه هشتم صفر اثنین و ستین و الف ۱۰۶۲ (ج یالتقیا ۱: ۵۲۵)] و در پایان حرف «ر» گوید: [تم حرف الراء اواخر ربیع الاخر تسع و اربعین و الف ۱۰۴۹ (ج یالتقیا ۱: ۹۳۹)]

اگر تاریخ‌ها غلط چاپی نداشته باشد باید گفت: تاریخ اول در پاکتویس و تاریخ دوم در چرکنویس بوده است، که سیزده سال پیش از آن است. برای دیگر نگاشته‌های حاجی خلیفه، که مهمترین آنها تقویم التواریخ فارسی است، ن. ک استوری ۱: ۱۲۸ و برگل، ترجمه فارسی ص ۶۱۸ ش ۳۶۴ و

فهرست نسخه‌ها ۶: ۴۱۳۰.

۵۴. کارها که بر روی «کشف الظنون» انجام گرفته است:

۱. پس از مرگ چلبی، کسی به نام حسین عباسی نیهانی حلبی (م. پس از ۱۰۹۵) عبارتهایی از این کتاب کاست، و عنوان کتابهای بسیار بر آن افزود. نسخه این تحریر در یکی جامع استانبول، ش ۸۱۵ با نام التذکار الجامع للآثار نگهداری می‌شود.

۲. محمد عزتی، وشنه‌زاده (م. ۱۰۹۲) دنباله‌ای برای کشف الظنون نگاشت که در چرکنویس مانده است.

۳. عربه چیلر شیخی، ابراهیم افندی (م ۱۱۸۹) دنباله دوم را بر آن بنگاشت.

۴. حنیف‌زاده، احمد طاهر افندی (م. ۱۲۱۷) دنباله‌ای دیگر ساخت، که پنج هزار عنوان دارد، و آن را «آثار نو» نامید. فلوگل این کار را در پایان جلد ششم کشف الظنون چاپ کرد.

۵. عارف حکمت (م. ۱۲۷۵) دنباله دیگری ساخت، که تا حرف جیم رسیده بود.

۶. نامورترین دنباله آن ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسماء الکتب و الفنون نگارش اسماعیل پاشا بابایی بغدادی (م. ۱۳۳۹) است. که سی سال در آن رنج برده تا نزدیک نوزده هزار عنوان بر متن افزود. وی کتابی به نام هدیه العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين در دو جلد نیز دارد، که می‌خواست در آن زندگینامه همه نگارندگان مسلمان را، با نام نگاشته‌هایشان گرد آورد که در دو جلد چاپ شده است.

ایضاح المکنون در دو مجلد: یکم استانبول ۶۶۲۲+۶ ستون، دوم همانجا ۱۹۴۷ م ۲+۸۲۲ ستون چاپ شده است.

۷. اسماعیل صایب سنجر، یکی از کتابداران و مدرسان استانبول، نیز دنباله‌ای برای آن نگاشته است (همان پیشگفتار: ۱۰).

۸. ترجمه فرانسوی آن از Petisdfla Croix معلم زبان عربی در پاریس. (همان پیشگفتار: ۱۱، ۱۰).

۹. برای تعلیقات آقا بزرگ تهرانی بر کشف الظنون بند ۵۵ دیده شود.

۵۵. چاپ: کشف الظنون نخستین بار ۱۸۵۸، ۱۸۳۵ به وسیله فلوگل Gustavus Fivgel در لایپزیک با ترجمه لاتین آن چاپ شد. وی در پایان جلد ششم دنباله حنیف‌زاده را چاپ کرد. (ن. ک. بالا). و در پایان جلد هفتم که آخرین آنهاست فهرست کتابخانه ازهر و مدرسه ابوالذهب و کتابخانه «دروس» و چند کتابخانه دیگر در استانبول را نهاد.

چاپ دوم در مصر انجام گرفت، که غلط بسیار دارد.

چاپ سوم در استانبول از روی چاپ مصر با همه نادرستی‌های آن است.

چاپ چهارم، با تصحیح محمد شرف‌الدین یالتقیا و رفعت بیلگد کلیسلی

و همکاری اسماعیل صایب سنجر که پیش از چاپ درگذشت، در استانبول

در دو مجلد، ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳ م. یکم ۹۴۰ ستون و دوم از آنجا تا ۲۰۵۶ ستون چاپ و منتشر شده است.

این چاپ بار دیگر در تهران به وسیله کتابفروشی اسلامیة و جعفری تبریزی همراه با دو مجلد ایضاح المکنون و دو مجلد هدیه العارفین به سال ۱۳۸۷/۱۹۶۷ افسست شد. و در پایان این شش مجلد تعلیقات آقا بزرگ تهرانی بر کشف الظنون در ۱۱۶ ستون به رونویسی محمدمهدی بن محمدحسن خراسان موسوی نجفی به نام ذیل کشف الظنون چاپ شده است.

۵۶ فخرالدین بن محمد بن طریح (م. ۱۰۸۵) نگارنده مجمع البحرین در لغت و کتابهای دیگر. وی فهرست نگاشته‌های خود را ساخته و صاحب ذریعه آن را در کتابخانه طریحی در نجف دیده است (ذریعه ۱۶: ۳۷۸).

۵۷ فیض کاشانی، ملا محسن (۱۰۹۱-۱۰۰۷) او دو بار برای نگاشته‌های خود فهرست ساخته است:

الف: فهرستی که به سال ۱۰۶۹ هـ در ۶۲ سالگی نگاشته، و در آن تنها ۶۸ کتاب را ولی با گستردگی بیشتر، و تعیین شمار بیت‌ها و تاریخ نگارش گزارش کرده است. این فهرست به دست صاحب روضات بوده و از آن نقل می‌دارد.

ب: فهرستی که در ۸۳ سالگی، در ۱۰۹۰. یک سال پیش از مرگش نگاشته است. و در دیباچه آن گوید: «از بیست سالگی تاکنون یکصد کتاب نگاشته‌ام. این فهرست به سال ۱۳۰۲ ق در کرانه صفحه‌های امل الامل شیخ خر عاملی ص ۷۷۶۸ همراه با منتهی المقال ابوعلی رجالی چاپ سنگی شده است. از این دومین فهرست، نسخه‌هایی در دست است، که با نسخه چاپی دگرگون است (ذریعه ۱۶: ۳۷۹ و ۳۹۳. فهرست سپهسالار ۵: ۳۸۸. فهرست دانشگاه ۱۲: ۲۶۰۶).

سده دوازدهم:

۵۸ الف. فهرست‌های مجلسی. مجلسی دوم، محمداقرا بن محمدتقی (۱۱۱۰-۱۰۳۷). صاحب ذریعه، سه فهرست برای نگاشته‌های وی، و یک فهرست برای مصادر کتاب او بحارالانوار یاد می‌کند.

۱. از برادرزاده او محمد نصیر بن عبدالله مجلسی، که در دو بخش بوده است. نخست کتابهای عربی مجلسی، دوم کتابهای فارسی او. نقل از این فهرست را صاحب ذریعه در جایی دیده است (ذریعه ۱۶: ۳۸۰ ش ۱۷۶۵).
۲. از نواده مجلسی، محمدهسین (م. ۱۱۵۱) ابن محمدصالح (م. ۱۱۲۰).
در دو «فصل» و یک «خاتمه»:

۱. کتابهای عربی او، ده عنوان، ۲. فارسی‌های او، چهل و نه عنوان. خاتمه در شمار عدد ابیات تألیفاتش، از عربی و فارسی که رویهم «یکهزار و چهارصد و دو هزار، (یعنی) ماهی یکهزار و ششصد و یک بیت و دوازده حرف و چهار دانگ حرف» نگاشته است. این فهرست از روی نسخه دکتر

اصغر مهدوی مورخ ۱۲۷۱ هـ در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۱۰، ش ۲، ص ۲۱۰-۲۰۳، ۱۳۴۱ ش. چاپ شده است.

۲. در ذریعه ۱۶: ۳۸۰ و نجوم السما: ۱۶۵، نیز چنین توصیف شده است. ولی صاحب روضات این فهرست را نگارش داماد مجلسی، محمد صالح پدر محمد حسین پیشگفته دانسته است.

۳. فهرست مصادر و منابع کار مجلسی در بحارالانوار. یکی از شاگردان مجلسی به نام محمد بن احمد لاهیجانی حسینی، در ربیع یکم ۱۱۲۷ این فهرست را به پایان رسانید. او در این فهرست از هر یک از کتابها که مجلسی از آنها در «بحار» سود برده، با گستردگی گفتگو می‌کند. نسخه‌ای که صاحب ذریعه از این کتاب، نزد رئیس کتابخانه سپهسالار دیده است، به تاریخ ۱۱۳۱ پایان یافته بود (ذریعه ۱۶: ۳۹۱).

۵۹ ب: گنجینه شیخ صفی:

ملا محمد طاهر مستوفی به سال ۱۱۷۲ هـ/۱۷۵۸ م. فهرستی از کتب خطی و چیزهای گرانبه‌ای بقعه شیخ صفی فراهم کرده بود. و نسختی از این فهرست به سال ۱۳۴۸ ش به وسیله دولت ایران خریداری و به موزه آذربایجان اهدا گردید. سپس به وسیله آقای دولتشاهی مدیر کل فرهنگ و هنر آن سامان نسخه‌برداری و به شماره ۱۶ نشریه کتابخانه ملی تبریز، ۱۳۴۸ ش، ۹۴ ص چاپ شده است.

ج. فهرست نگاشته‌های حزین:

۶۰ حزین لاهیجی، محمد علی بن ابوطالب (۱۱۰۳-۱۱۸۰ هـ). لیست بیش از دویست کتاب عربی و فارسی از نگاشته‌های اوست، که در «نجوم السما: ۲۹۳، ۲۸۳» به نقل از اثر خود او آمده است. یکی از نگاشته‌های حزین «ما جزئی به القلم» نام دارد. و گویا این همان فهرستی باشد که از آن نقل آمده است. (ذریعه ۱۶: ۳۷۸ و ۱۹: ۱۷).

۶۱ ج. فهرست مجذوع: نگارش اسماعیل پسر عبدالرسول پسر متاخان از نوادگان لارشاه است که در شهر اجین هند به سال ۱۱۸۳ یا ۱۱۸۴ هـ درگذشت. او از اسماعیلیان شبه قاره هند بود و کتاب زیرین را در فهرست آثار آن گروه به ترتیب درجات مذهبی آموزش نزد ایشان به عربی در ۱۱ بخش نگاشت. بخش ۱۲ را در کتب متفرقه مانند خاتمه کتاب نهاد.

فهرسه الکتب و الرسائل و لمن هی من العلماء و الاثمه و الحدود الافاضل. حقه و علق علیه و قدم له علینقی منزوی. منشورات مکتبه الاسدی. چاپخانه دانشگاه تهران ۱۳۴۴ هـ/۱۹۶۶ م. در ۴۱۹ ص+۲۰ ص مقدمه در احوال نگارنده و معرفی شانزده عنوان از تألیفات او.

۶۲ سده سیزدهم:

کشاکش‌های مذهبی و دینی میان طرفداران تمرکزگرایی دینی

(سانترال‌یسم مذهبی)، زیر عنوان «رکن رابع» و «باب» و طرفداران آزادی اجتهاد سنتی در حق‌الله، جامعه ایران را در این سده، از توجه به فهرست‌نگاری بازداشت. و تنها چند اثر کم‌اهمیت در این زمینه، در این سده دیده می‌شود. ولی هند در این سده، در اثر پیوند با تمدن و فرهنگ اروپا، آغازگر فهرست‌نگاری بر شیوه نوین شد. و چند فهرست برای دست‌نوشته‌های فارسی، عربی، ترکی و اردو موجود در هند، از آن میان کتابخانه کهن سال جامعه آسیایی بنگال منتشر شده که از بحث ما بیرون است.

۶۳ احمد علی احمد به سال ۱۸۶۹/۱۲۸۹ به نگارش فهرستی از مثنوی سرایان پرداخت، و به شمار وزن‌های هفتگانه مثنوی، کتاب را بر یک «اوج» (مقدمه) و هفت «آسمان» و یک افق (خاتمه) بخشبندی کرد، و تذکره «هفت آسمان» نامید. آسمان یکم در بحر سریع مطوی موقوف یعنی بحر مخزن الاسرار نظامی گنجوی است. در اینجا ۷۸ مثنوی که در پیروی مخزن الاسرار سروده شده گزارش کرده است. و در کلکته ۱۲۸۹هـ/ ۱۸۷۳م. چاپ و سپس همان چاپ در تهران ۱۹۶۵م. افست گردیده است. از نگارش بخش‌های دیگر آگاهی در دست نیست.

۶۴ کثنوی یزدی، حسن بن علی (م. کربلا ۱۲۹۷هـ)، شاگرد حجه الاسلام شفتی زندگینامه او در طبقات اعلام الشیعه سده ۱۳ ص ۲۴۲ و مصفی المقال ص ۱۳۸ آمده است. هدیه الاسماء فی بیان کتب العلماء. فهرستی است کوتاه از کتابهای مشهور شیعه و اندکی از سنیان، به ترتیب الفبایی، در ۲۸ «باب»، ششصد و چهل کتاب را معرفی، و در ربیع اول ۱۲۶۰هـ به انجام رسانده است.

چاپ: با پیشگفتار محمدتقی دانش‌پژوه، از روی نسخه دستنویس نگارنده و افزوده‌هایی از نسخه دیگر، و فهرستها و ۱۴ نمونه دستنویس دفتر ششم نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸ش، ص ۶۲.۱. در پیشگفتار پیشگفته نشانی ۵ نسخه آن داده شده است. و بیفزاید نسخه مرعشی قم مورخ ۱۳۰۵هـ (فهرست دانشگاه ۲: ۶۸۱. مرعشی اشکوری ۱: ۶۸ ذریعه ۱۶: ۳۹۰ و ۲۵: ۱۶۹)

۶۵ سده چهاردهم. هر چند در این سده به سبب گسترش پیوندهای خاورمیانه با اروپا، فهرست‌نگاری به شیوه نوین اروپایی پدید آمد. که بحثی جداگانه را شاید. ولی باز چند نمونه از فهرست به شیوه کهن و یادآور گه و حد وسط میان دو شیوه کهن و نوین دیده می‌شود، که ما آنها را در پایان این بخش آورده‌ایم.

۶۶ نوری، حاج میرزا حسین (۲۷.۱۲۵۴ ج ۲/۱۳۲۰هـ)، نگارنده مستدرک الوسائل و فصل الخطاب و دیگر آثار فراوان و استاد صاحب ذریعه است. او به سال ۱۲۹۷هـ که هنوز در سامره می‌زیست فهرستی برای کتابخانه خود نگاشت، که از ۵۰۰ بیت بیشتر بود (ذریعه ۱۶: ۳۹۱.۳۹۰) این فهرست، حاوی کتابهای چاپی و خطی، به ترتیب الفبایی و به زبان فارسی است. و در

مجموعه «آشنایی با چند نسخه خطی» دفتر ۱، قم ۲۵۳۵ش. ۱۳۹۶هـ ص ۱۵۳.۱۲۹ به نام فهرست کتابخانه حاجی میرزا حسین نوری با پیشگفتار مدرسی طباطبائی چاپ شده است.

۶۷ جنفوری، محمد مرتضی جنفوری هندی حسینی (م. پیرامون ۱۳۳۷) شاگرد حاج میرزا حسین نوری پیشگفته. وی فهرستی برای تألیفات همان استاد پیشگفته خود، به زبان فارسی، در ۳۰۰ بیت نبشته نگاشته است و در پایان لؤلؤ و مرجان در شرط پله اول و دوم روضه خوان نوری (ذریعه ۱۸: ۳۸۸) در ۱۳۲۰هـ چاپ شده است. (ذریعه ۶: ۳۷۹).

۶۸ ثقه الاسلام تبریزی میرزا علی، شهید ملی ایران به دست روسها (۱۳۳۰.۱۳۳۷ش.) مرآت الکتب را در دو بخش نگاشت. ۱. به ترتیب نام دانشمندان بدون ذکر کتب ۲. در ذکر کتب ایشان به سال ۱۳۶۸ش. برادرزاده مؤلف عبدالله ثقه الاسلامی چهار مجلد که نیمه اول آن کتاب است را به خط مؤلف به صورت افست چاپ و منتشر کرد.

۶۹ ابوالقاسم ابراهیمی (۱۳۱۴.۱۳۸۹هـ) پسر زین العابدین (۱۳۲۶.۱۳۶۰هـ) پسر کریم خان کرمانی قاجار.

فهرست کتب مشایخ عظام. وی آن را به درخواست کتبی آقای او کتابی رئیس کتابخانه آستان قدس، در ۲۲۸هـ در دو جلد نگاشت: جلد یکم زندگینامه نگارنده و پدرش زین العابدین و عمویش محمدخان (۱۲۶۲.۱۳۳۴هـ) و نیایش محمد کریم خان (۱۲۲۵.۱۲۸۸هـ) و سید کاظم رشتی (۱۲۱۲.۱۲۵۹هـ) و شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶.۱۲۴۱هـ) است. جلد دوم در پنج بخش است: ۱. آثار شیخ احمد احسائی (بنیان‌گذار گروه) در نه بخش، ۲. آثار سید کاظم رشتی، در هفت بخش، ۳. آثار محمد کریم خان، پانزده بخش، ۴. آثار محمد خان، ده بخش، ۵. آثار زین العابدین کرمانی، شش بخش، پایان‌نامه در آثار نگارنده فهرست ابوالقاسم ابراهیمی.

چاپ: چند بار چاپ شده، سومین بار، چاپخانه سعادت کرمان، تاریخ (۱۳۸۹هـ) = ۱۲+۶۵۳ص.

نگارنده فهرست‌های زیر را به عنوان منبع کار خود (ص ۲۱۶.۲۱۴ همان چاپ) یاد کرده است.

۱. فهرست سید. که سید کاظم رشتی برای آثار شیخ احسائی فراهم کرده و نسخه آن به خامه نگارنده‌اش در کتابخانه این گروه در کرمان هست.

۲. فهرست فائقی. که سید عبدالمجید فائقی، در ۱۳۴۵هـ برای آثار این گروه نگاشته است. نسخه‌اش در همان کتابخانه نگاهداری می‌شود.

۳. فهرست کوچک. فهرستی کوتاه است، که نگارنده‌ای ناشناس به روزگار کریم خان پیشگفته (۱۲۲۵.۱۲۸۸هـ) از کارهای این گروه نگاشته بود.

۴. شرح احوال شیخ احمد احسائی، به خامه محمد طاهر کرمانی عمومی ابوالقاسم ابراهیمی نگارنده این فهرست. نسخه این یکی نزد ایشان است. در ذریعه (۱۶: ۳۸۳) نسخه‌ای ناشناس از فهرست رسایل شیخ احمد

احساسی در کتابخانه خوانساری نجف نشان داده شده است، که گویا جز این یادشدگان باشد.

۷۰. آقا بزرگ تهرانی (منزوی)، زاده در پامنار تهران، ۱۲۹۳/۱۸۷۶م. حرکت به عراق ۱۳۱۳/۱۸۹۵ سکونت در نجف ۱۳۲۹/۱۳۱۵ هـ شاگردی حسین نوری (م. ۱۳۲۰/۱۹۰۲م) و آخوند خراسانی (م. ۱۳۲۹/۱۹۱۱م)، سکونت در سامره ۱۳۲۹/۱۳۵۴ هـ بازگشت به نجف ۱۳۵۴/۱۹۳۵م مرگ ذیحجه ۱۳۸۹/هـ

الذریعه الی تصانیف الشیعه. شاید بتوان این کتاب را حلقه میانه فهرست‌نگاری مذهبی قدیم و شیوه نوین دانست. هنگامی که جرجی زیدان مسیحی (۱۸۶۱-۱۹۱۴م) کتاب تاریخ تمدن اسلامی را در ۱۹۰۲م. و تاریخ آداب اللغة العربیه را در ۱۹۱۱م. منتشر کرد، و از این روی از نخستین کسان شمرده می‌شود که به ناسیونالیسم عرب. به معنی امروزی آن، بالیده اسلام سنتی را پرچم مذهبی آن نشان داد. ناگزیر ادبیات مسلمانان غیر عرب و مذهبهای غیر سنی اسلام، در کارهای او، در مرتبه دوم نهاده شده و گاهی به گونه‌ای تحقیرآمیز از آنها یاد شده است [این برداشت برای روحانیون روشنفکر ایرانی و شیعی که دور مرحوم آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹/۱۹۱۱م) در نجف گرد آمده، از بیرون مرز ایران به مشروطه‌خواهان درونی کمک می‌کردند، و خود را مسؤول بخش شیعی جهان اسلام می‌دانستند گران آمد و سه تن از آنان به نام سید حسن صدر (م ۱۳۵۴/۱۹۳۵م) و محمدحسین کاشف‌الغطا (م ۱۳۷۷/۱۹۵۷م) شیخ آقا بزرگ تهرانی، طبق قراری که در شرح حال صاحب ذریعه آمده است، هر یک تعهد کردند که گوشه‌ای از بار پاسخگوئی بدان را بر دوش کشند. آقا بزرگ از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۳۶ دوره الذریعه الی تصانیف الشیعه را فراهم کرد.

ج ۱. نجف، ۱۳۵۵/۱۹۳۶م، دارای ۱۶۰۸ عنوان از حرف الف، در ۵۴۰ ص که ۸۰۰ شماره آن «اجازه» است، که بهترین نمودار زنجیره طبقات دانشمندان است.

ج ۲. نجف، ۱۳۵۶/۱۹۳۷م، دارای ۲۰۴۵ عنوان از بقیه حرف الف است، در ۵۲۴ ص، و در عنوان «اصل» ۱۲۷ تا از «چهارصد اصل» شیعه شناسانده شده است.

ج ۳. نجف، ۱۳۵۷/۱۹۳۸م، دارای ۱۹۱۸ عنوان از حرف ب، پ و بخشی از ت است، در ۴۹۶ ص.

ج ۴. تهران، ۱۳۶۳/۱۹۴۳م، دارای ۲۳۰۴ عنوان، در ۵۲۰ ص. تاریخچه «تقویم» نویسی و فهرستی از پیرامون هفتصد تفسیر قرآن، در حرف ت این مجلد دیده می‌شود. از این مجلد تا مجلد ۱۵ با تحقیق و افزودگی‌های فرزند نگارنده علینقی منزوی منتشر شده است.

ج ۵. تهران، ۱۳۲۴/۱۹۴۴م، شامل حرفهای ث، ج، ح، و معرفی ۱۵۱۴ کتاب، در ۵۲۰ ص است.

ج ۶. تهران، ۱۳۲۶/۱۹۴۷م، دارای ۲۴۷۳ عنوان است، که ۷۶۳ شمار آن عنوان، «حدیث» دارد و تاریخ آنها و مانند چهارصد اصل به سده‌های نخستین اسلام برمی‌گردد. بخش «حاشیه»‌های این مجلد نیز شامل ۱۲۷۳ حاشیه است، ۴۱۲ ص.

ج ۷. تهران، ۱۳۲۷/۱۹۴۸م، بویژه بخشهای «خمسه» و «خطبه» در این مجلد دارای اهمیت تاریخی است.

ج ۸. تهران، ۱۳۲۹/۱۹۵۰م، حرف «د» به استثنای «دیوان»‌ها، ۳۰۳ ص.

ج ۹. تهران، ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۶/۱۳۳۳، بویژه «دیوان»‌ها، در چهار مجلد، روی هم ۱۵۴۱ ص. که آثار پیرامون ۸۵۰۰ سراینده در آن معرفی شده است و در پایان فهرست الفبایی از آثار سراینندگان دارد.

ج ۱۰. تهران، ۱۳۳۵/۱۹۵۶م دارای حرف «ذ» و چندی از «ر» است ۲۷۲ ص.

ج ۱۱. تهران، ۱۳۳۷/۱۹۵۹م، بقیه حرف «ر»، ۳۴۶ ص.

ج ۱۲. تهران، ۱۳۴۰/۱۹۶۲م، شامل حرف «ز» و «س»، ۲۹۵ ص.

ج ۱۳. نجف، ۱۹۵۹م، نیمه حرف «ش»، ۴۰۰ ص.

ج ۱۴. نجف، ۱۹۶۱م، بقیه حرف «ش» در دو مجلد حرف «ش» ۲۵۷۳ کتاب شناسانده شده است. بخش «شرح»‌های این دو مجلد که پیرامون ۱۹۰۰ شماره است، مانند بخش «حاشیه»‌ها در مجلد ششم، ادبیات تعلیقی و توضیحی و دنباله‌روی سده نهم به بعد را نشان می‌دهد.

ج ۱۵. تهران، ۱۳۴۳/۱۹۶۵م، شامل حرفهای «ص، ض، ط، ظ، ع» ۴۰۰ ص.

ج ۱۶. تهران، ۱۳۴۶/۱۹۶۷م، شامل حرفهای «غ، ف» از این مجلد به بعد به سبب انتقال علینقی منزوی به بیروت، به تصحیح احمد منزوی فرزند دوم نگارنده چاپ شده است، ۴۴۲ ص.

ج ۱۷. تهران، ۱۳۸۷/۱۹۶۷م، شامل حرف «ق» و نیمی از «ک» است، ۳۳۳ ص.

ج ۱۸. تهران، ۱۳۸۷/۱۹۶۷م، شامل باقی مانده حرف «ک» و همه حرف «ل»، ۴۳۶ ص.

ج ۱۹. تهران، ۱۳۸۹/۱۹۶۹م، پیرامون یک پنجم حرف «م» در این مجلد آمده است، در عنوان «مثنوی» ۱۵۰۰ منظومه نشان داده شده است، ۴۰۹ ص.

ج ۲۰. تهران، ۱۳۹۰/۱۹۷۰م، چند ماه پس از مرگ نگارنده منتشر شده و بدین مناسبت شرح حال و عکس او در آغاز این مجلد چاپ شده است، ۴۲۸+ ص.

ج ۲۱. تهران، ۱۳۹۲/۱۹۷۲م، ۴۵۱ ص.

ج ۲۲. تهران، ۱۳۹۳/۱۹۷۴م، ۴۴۳ ص.

تبویب الذریعه الی تصانیف الشیعه. الفه الحاج السید احمد الدیباجی اصفهانی، تهران، ۱۳۵۲ش/۱۳۹۳هـ، ۳۶۵ص.

فهرست موضوعی سه مجلد ۳۰۱ نخستین ذریعه است، هر مجلد جداگانه، در بیست موضوع: ادبیات، دعا، اصول دین، اصول فقه، تاریخ، تراجم، تفسیر، جغرافیا، حدیث، دیوان، ردود، ریاضی، سیاست، شروح، پزشکی، فقه، فلسفه، متفرقه، مرآتی.

معجم مولفی الشیعه. تألیف علی فاضل قاینی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ش، ۵۲۸ص.

فهرست مؤلفان مذکور در ذریعه، به ترتیب الفبایی نام نگارندگان و به دنبال هر کس نام نگاهشته‌هایش آمده است.

ج ۲۳. تهران، ۱۳۹۵/۱۹۷۵م، آخرین مجلد از حرف «م» و آخرین مجلد تصحیح احمد منزوی است، که به سبب اشتغال او در پاکستان به نگارش «فهرست مشترک پاکستان» کار ذریعه را در تهران دوباره علینقی منزوی به دست گرفت، ۳۶۲ص.

ج ۲۴. تهران، ۱۳۹۸/۱۹۷۸م، شامل همه حرف «ن»، ۴۸۸ص.

ج ۲۵. تهران، ۱۳۹۸/۱۹۷۸م، شامل حرفهای «و، ه، ی» و در پایان تاریخچه چاپ دوره ۲۵ مجلدی ذریعه و جدول استدرکات آن، ۱۴۳ص.

ج ۲۶. مشهد، ۱۴۰۵/۱۹۸۵م، مستدرکات ذریعه است که به خامه نگارنده موجود بود و به کوشش سید احمد حسینی جزو انتشارات آستان قدس چاپ شده است، ۳۱۵ص.

